



شعری برای خرمشهر

سیمین دخت وحیدی

شهر من، ای شهر پیکر سوخته
باغ و بستانت سراسر سوخته

با سموم بادها بردامنت
بید بن ها تناور سوخته

خاطرات سبز تو دیر است دیر
باشقایق های پرپر سوخته

روی دشت سینه خونین تو
سرو پژمرده، صنوبر سوخته

زنیق و یاس و گل و نسرين تو
در هجوم باد صرصر سوخته

ایستاده بر فراز شانه ات
نخل قدا فرشته سر سوخته

در کنارت مادر از داغ پسر
خواهر از داغ برادر سوخته

در دل و در سینه و پهلو تو
دشنه و شمشیر و خنجر سوخته

از فراق سینه سرخان شهید
اشک در چشم کیوتر سوخته

نغمه هایت در گلو خشکیده است
مثل پرواز یک هدر پرسوخته

نی شگفت از غصه ات در آسمان
گر هزاران مهر و اختر سوخته

غم مخور ای قهرمان شهر نجیب!
دشمنان را می به ساغر سوخته

قهرمانان تو جاویدان شدند
دشمنان با قهر داور سوخته

سبز می گردی در آغوش بهار
این بهارستان پیکر سوخته!



خاطرات یک رزمنده بوشهری از آزادسازی خرمشهر

و با بمباران پل شناور عراقی ها بر روی شط العرب و مناطق تجمع آنان در آن سوی رودخانه، نقش ارزنده ای در آزادسازی خرمشهر ایفا کردند. این رزمنده بسیجی در ادامه گفت: در اواخر روز دوم خرداد، قرارگاه کربلا پس از بررسی آخرین وضعیت، تصمیم گرفت تا نیروها با ورود به شهر، آن را از لوٹ وجود نیروهای عراقی پاک گردانند. وی افزود: سرانجام در سه بامداد روز سوم خرداد واحدهایی از رزمندگان ایران به آن سوی رودخانه وارد شدند.

گله گیری زاده یادآور شد: در ساعت ۱۱ صبح روز سوم خرداد در حالی که درگیری شدیدی بین قوای ایرانی و نیروهای عراقی در شمال نهر خین جریان داشت و دشمن در فکر شکستن حلقه محاصره خرمشهر بود، رزمندگان ایرانی از جناح غرب و خیابان کشتارگاه وارد شهر شدند، ناحیه گمرک خرمشهر در کنار اروند اندکی مقاومت کرد که آن هم به سرعت در هم شکسته شد.

وی تصریح کرد: در ساعت ۱۲ قوای ایران از سمت شمال و شرق وارد شهر شدند و نیروهای متجاوز یعنی که ۲۴ ساعت در محاصره کامل قرار داشتند، راهی جز اسارت یا فرار و یا کشته شدن نداشتند، بدین جهت واحدهای عراقی گروه گروه به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. وی گفت: صدام بعد از آزادسازی خرمشهر در جمع فرماندهان ارشد نظامی خود گفته بود شما مرد نیستید، اگر مرد بودید خرمشهر را از دست نمی دادید، بسیجیان و رزمندگان ایرانی مردند که توانستند خرمشهر را آزاد کنند. گله گیری زاده اظهار داشت: در ساعت ۲ بعد از ظهر، خرمشهر به طور کامل آزاد شد و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران بر فراز «مسجد جامع» و پل تخریب شده خرمشهر به اهتزاز درآمد.

وی در پایان سخنان خود بیان داشت: بدین ترتیب این شهر مقاوم که پس از ۳۵ روز پایداری و مقاومت در ۴ آبان ۱۳۵۹ به اشغال دشمن درآمد، پس از ۵۷۸ روز (۱۹ ماه) اسارت، بار دیگر به آغوش گرم میهن اسلامی بازگشت و پیکره پاک آن از لوٹ وجود متجاوزان تطهیر شد.

یکی از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس گفت: صدام پس از آزادسازی خرمشهر به نیروهای عراقی گفته بود شما مرد نیستید، بسیجیان ایران مرد بودند که خرمشهر را آزاد کردند.

غلامرضا گله گیری زاده رزمنده هشت سال دفاع مقدس که در عملیات بیت المقدس شرکت داشته، از چگونگی آزادسازی خرمشهر سخن گفت و خاطرات شیرین آن دوران را بیان کرد.

وی خاطرات آن روزها، مشقت ها و سختی های رزمندگان اسلام در عملیات بیت المقدس را برای پرسنل شبکه بهداشت بیان کرد.

وی با نشان دادن مسیر عملیات بر روی نقشه به تشریح کامل این عملیات پرداخت.

گله گیری زاده افزود: عملیات بیت المقدس در ۳۰ دقیقه بامداد روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ با قرائت رمز عملیات یا علی ابن ابیطالب از سوی فرماندهی آغاز شد.

وی بیان داشت: این عملیات در چهار مرحله انجام شد و سرانجام در ساعت ۲۲،۳۰ اول خرداد ۱۳۶۱ تلاش در برابر تک سریع و غافلگیرانه رزمندگان، نیروهای عراقی دچار وحشت و سرگردانی شدید شدند و نتوانستند واکنش مهمی از خود نشان دهند و ارتباط یگان های دشمن با یکدیگر قطع شد. وی گفت: فرار افسران و درجه داران و سربازان عراقی از منطقه خرمشهر گویای از هم پاشیدگی سازمان یگان های دشمن بود. گله گیری زاده ادامه داد: در روز دوم خرداد نتیجه پیکار بسیار درخشان بود و رزمندگان اسلام به هدف خود که احاطه کامل خرمشهر بود، رسیدند. این رزمنده هشت سال دفاع مقدس خاطر نشان کرد: تعداد اسرای عراقی در این عملیات از ۲۰ هزار و ۴۰۰ نفر تجاوز کرد و یگان هایی از دشمن که در منطقه بین نهر عرایض و شلمچه مستقر بودند، به میزان زیاد منهدم شدند. وی اضافه کرد: با وجود حضور گسترده هواپیماهای عراقی در آسمان منطقه، عقابان تیزپرواز نیروی هوایی ارتش در پشتیبانی از یگان های رزمنده، در صحنه عملیات بیت المقدس حضوری فعال داشتند

خاطره شنیدنی از آزادی خرمشهر از زبان افسر عراقی

سرهنگ عراقی کامل جابر

تیپ ۳۰ زرهی، تیپ ۵۳ زرهی، تیپ ۲۴ پیاده نظام مکانیزه، تیپ ۴۹ پیاده نظام و گروهان تکاور لشکر دوم. در شب آخر افسران عراقی که در خرمشهر حضور داشتند یک جلسه تشکیل میدهند تا یک چاره ای برای خود پیدا کنند. تعدادی از آنها معتقد بودند که باید خود را تسلیم کنند و تعدادی هم میگفتند باید فرار کنیم و تعداد اندکی هم معتقد بودند که تا آخرین گلوله باید مقاومت کنند که البته هم خود و هم سربازان تحت امر خود را بکشتن دادن. اسرای عراقی را در این واقعه حدود ۲۰ هزار نفر اعلام شدند که ۵۰۰ نفر از آنها افسران رده بالا بوده اند.

تی ۷۲- بود اما پیاده نظام ایرانی پشت سر تانک های ما می دویدند و در یک لحظه آن را به خاکستر تبدیل می کردند. کامل جابر همچنین از لشکرها و گردان های متعدد عراقی اسم می برد که در واقعه بازپس گیری خرمشهر توسط نیروهای ایرانی نابود شدند. او آنها را به این شرح اعلام می کند: لشکر ۳، تیپ ۴۸، تیپ ۱۱۳، تیپ ۴۴، تیپ ۳۳۸، تیپ ۴۱۷، تیپ ۶۰۵، تیپ ۹ مرزی، تیپ ۱۰ مرزی، تیپ نیروهای ویژه، تیپ ۲۸، تیپ ۹۲، تیپ مستقل مرزی، تیپ ۳۳ نیروهای ویژه، تیپ تکاور از لشکر ۱۱، نیروی مردمی محور نجف، تیپ ۲ پیاده نظام، تیپ ۱۰ زرهی، تیپ ۱۷ زرهی، تیپ ۱۲ زرهی،

و بمب های ایرانی، عراقی ها را در می کردند. دانم در آن لحظات چه حالی داشتم. افکار عجیبی به سرم می زد؛ حتی تصمیم به خود کشی گرفتم به چشم خود معجزاتی دیده بودم که حیرانم کرده بود میلیون ها دلاری که صرف سیستم دفاعی خرمشهر کرده بودیم به راحتی با ایمان استوار رزمندگان اسلام در هم کوبیده شد و با شکستن این موانع روحیه ی عراقی ها پایمال شد. سربازان ایرانی مثل داوطلبان مرگ به سوی ما می آمدند؛ انگار می خواستند ما را از روی زمین محو کنند. برای آنها مرگ با فشنگ و آتش معنا نداشت. با اینکه تانک های تیپ زرهی ما پیشرفته- و از نوع

یکی از فرماندهان عراقی، آخرین لحظات آزادی خرمشهر چنین روایت کرده: وقتی فهمیدم نظامیان همراهم انگیزه ی مقاومت و جنگیدن را از دست داده اند و به هیچ شکلی قادر به رو در رویی با رزمندگان اسلام نیستند. از عبدالواحد آل رباط خواستم که نیرویی برای شکستن خط بفرستد وی گفت که تمام نیروهایش لت و پار شده اند و فعلا هیچ کمکی نمی تواند بکند. فهمیدم که خرمشهر از تمام جهت ها در محاصره است و شکست حلقه محاصره امری غیر ممکن به محافظانم گفتم که باید از اروند رود بگذریم و بلافاصله به سمت جنوب شهر حرکت کردیم. باران می بارید